

بررسی تغییرات پارامترهای بارش و دما تحت سناریوهای اقلیمی در مراتع استان چهارمحال و بختیاری

آذین زارعی^۱، اسماعیل اسدی^۲، عطاله ابراهیمی^۳، محمد جعفری^۴* و آرش ملکیان^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۰۶/۱۸

چکیده

تغییر اقلیم دارای پیامدها و اثراتی در بروز پدیده گرمایش جهانی، کاهش تولیدات کشاورزی، تغییر در تنوع و پوشش گیاهی مراتع، تغییر سطح آب‌های زیرزمینی، بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی و ... است. با توجه به پیامدهای تغییر اقلیم، شناخت این پدیده به منظور داشتن استراتژی‌های خاص برای کاهش اثرات آن مسئله مهمی می‌باشد. جهت بررسی اثر سناریوهای مختلف تغییر اقلیم در استان چهارمحال و بختیاری از مدل گردش عمومی جو CanESM2 تحت سه سناریوی rcp26, rcp45, rcp85 برای متغیرهای اقلیمی دما و بارندگی در ایستگاه سینوپتیک کوهرنگ استفاده شد. نتایج بیانگر روند افزایشی میانگین دمای روزانه در ماه‌های اکتبر تا مارچ و روند کاهشی در ماه‌های آوریل تا سپتامبر در هر سه سناریو می‌باشد. به صورتی که در فصل بهار و تابستان کاهش دما و در فصل زمستان و پاییز افزایش دما به چشم می‌خورد. متوسط دمای در مقیاس سالانه تحت هر سه سناریو بین ۱/۶ تا ۱/۸ درجه سانتی‌گراد افزایش خواهد یافت. با افزایش دمای فصل زمستان ریزش‌های جوی از حالت برف به باران تغییر شکل می‌دهد که این امر باعث عدم ذخیره برف برای ماه‌های گرم‌تر سال و جاری شدن سیلاب خواهد شد، از طرفی کاهش دما در فصل بهار سبب به تأخیر افتادن گلدهی و رشد گیاهان مرتعی می‌شود، این در حالی است که دامداران، دام‌های خود را از مراتع قشلاقی (زمستانی) به مراتع بهاری در این مناطق برده‌اند ولی هنوز گیاهان مرتعی به علت سرما به رشد لازم نرسیده‌اند و به علاوه مرتع کاملاً خیس است. نتایج تغییرات مجموع بارندگی روزانه تحت سه سناریوی مورد مطالعه، نشان‌دهنده افزایش بارندگی در فصول بهار و تابستان و کاهش بارندگی در فصل زمستان می‌باشد. همچنین، همبستگی داده‌های مشاهداتی و کالیبره‌شده برای دما و بارندگی در دوره ۲۰۰۰-۱۹۶۱، به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۹۷ می‌باشد. با توجه به اثرات تغییرات دما و بارش بر تولید و ترکیب گیاهی مراتع، توجه به اثرات تغییرات اقلیمی در طرح‌های اصلاح و توسعه مرتع برای سیاست‌گذاران و بهره‌داران ضروری می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: تغییر اقلیم، مدل گردش عمومی جو CanESM2، سناریوهای اقلیمی، مراتع استان چهارمحال و بختیاری.

۱- دانشجوی دکتری مرتعداری دانشگاه شهرکرد

۲- دانشیار دانشگاه شهرکرد

۳- استاد دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران

* نویسنده مسئول: jafary@ut.ac.ir

۴- دانشیار دانشکده منابع طبیعی، دانشگاه تهران

مقدمه

افزایش گازهای گلخانه‌ای^۱ در چند دهه گذشته باعث بر هم خوردن تعادل اقلیمی کره زمین شده است که از آن تحت عنوان پدیده "تغییر اقلیم"^۲ نام برده می‌شود. (۵). بررسی‌ها نشان داده‌اند که تغییر اقلیم دارای پیامدها و اثراتی از جمله تغییر الگوی بارش، به وجود آمدن ناهمگنی در سری داده‌های تاریخی، بروز پدیده گرمایش جهانی^۳، تنزل کیفیت منابع آب، تغییر سطح آب دریاها و اقیانوس‌ها، کاهش تولیدات کشاورزی، تغییر در ترکیب و تولید گیاهی مراتع، تغییر سطح آب‌های زیرزمینی، بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی و ... است (۱ و ۲). افزایش دی اکسید کربن بر فرم و رشد گونه‌های گیاهی تاثیر می‌گذارد، به طوری که بسیاری از گیاهان علوفه‌ای در اثر غنی شدن دی اکسید کربن (اثر حاصلخیزی دی اکسید کربن) رشد سریع‌تری داشته و اندازه‌های بزرگتری پیدا کنند. ولی این رشد به معنی مفید بودن آن برای دام نیست، زیرا گیاهان غنی شده از دی اکسید کربن نسبت به گیاهانی که در شرایط متعارفی از اکسید کربن رشد می‌کنند از نظر مواد غذایی فقیر بوده و بافت‌های غیرخوشخوراک بیشتری دارند. بافت‌های غیرخوشخوراک، حاوی لگنین بیشتری هستند، به کندی تجزیه می‌شوند و الیاف تجزیه نشده به عنوان پس مانده در زمین باقی می‌مانند و انباشتگی آنها شدت و میزان آتش سوزی را افزایش می‌دهد. اثر حاصلخیزی دی اکسید کربن ممکن است زمین را برای رشد گونه‌های قابل اشتعال مستعدتر نماید. افزایش احتمالی در میزان رشد گیاهان می‌تواند چرخه‌های تولید مثل طبیعی آنها را به شیوه‌های کاملاً غیرقابل پیش‌بینی مختل کند. با توجه به پیامدهای تغییر اقلیم، علی‌رغم اهمیت این موضوع در جهان و اهتمام بیشتر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه به انجام تحقیقات و بررسی داده‌ها جهت مقابله با این پدیده، تلاش‌های کمی در قاره آسیا و به خصوص ایران شده است که این موضوع سبب خواهد شد تا ایران هزینه‌های زیادی را در آینده‌ای نه چندان دور به دلیل نداشتن استراتژی خاص در مقابله با پیامدهای این پدیده بپردازد (۱). مجموعه وسیعی از گزینه‌های انطباق با تغییرات اقلیمی در دسترس

است، اما در حال حاضر نیاز به سازگاری گسترده‌تری، نسبت به آنچه که در حال حاضر رخ می‌دهد مورد نیاز است تا آسیب‌پذیری نسبت به تغییر اقلیم کاهش یابد. سیاری و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی تأثیر گرمایش جهانی بر حداقل و حداکثر دما، الگوی بارش و تبخیر و تعرق گیاهان، تحت دو سناریوی انتشار A₂, B₂، در حوضه کشف رود، را در سه دوره زمانی ۲۰۳۹-۲۰۱۰، ۲۰۶۹-۲۰۴۰ و ۲۰۹۹-۲۰۷۰ میلادی مقایسه کردند. نتایج نشان دادند که میانگین بارش سالانه با مدل CGCM2 تحت دو سناریوی A₂, B₂ به ترتیب ۱۶ و ۱۳ درصد کاهش می‌یابد، در صورتی که برای مدل HadCM3 دو سناریوی A₂, B₂ میانگین بارش سالانه به ترتیب ۸ و ۲ درصد افزایش می‌یابد. همچنین، دمای حداکثر و حداقل ماهانه پیش‌بینی شده برای هر دو مدل و دو سناریو افزایش خواهد یافت. در مطالعه‌ای، تغییرات اقلیمی ناشی از تغییر در منحنی شدت، مدت و فراوانی بارش در چمنزارهای کانادا را بررسی شد، نتایج نشان داد که میزان تغییرات در آینده از نظر مقدار بارش بیشتر به انتخاب سناریوهای مدل GCMs یا RCPs حساسیت دارد (۱۲). نتایج مدل‌های گردش عمومی جو به عنوان ابزاری برای ارزیابی اثرات تغییر اقلیم استفاده می‌شود. لذا به منظور بررسی اثر تغییر اقلیم بر سیستم تأمین آب حوضه آبریز کرخه، نخست با استفاده از ۱۵ مدل GCMs و چند سناریوی انتشار گازهای گلخانه‌ای، تغییرات بارش و دما برای افق زمانی ۲۰۵۰ بررسی شد. همچنین سه استراتژی مدیریتی افزایش راندمان آبیاری، استفاده مجدد آب و تغییر الگوی کشت برای سازگاری با تغییر اقلیم ارزیابی گردید. نتایج نشان داد که ساخت سدهای جدید به دلیل افزایش تخصیص آب در بالادست، می‌تواند اطمینان‌پذیری تأمین آب کشاورزی پایین‌دست سد کرخه را تا کمتر از ۷۰ درصد کاهش دهد. همچنین استفاده مجدد از آب، با اطمینان‌پذیری ۹۱ درصد، به عنوان موثرترین راهکار برای سازگاری با تغییرات اقلیمی شناخته شد. هر چند تغییر الگوی کشت روشی کم هزینه تر است، لیکن اجرای آن منوط به همکاری کشاورزان می‌باشد (۳). نوری و همکاران (۱۳۹۳) در مطالعه بررسی فلور جغرافیایی گیاهان در مراتع

³ - Global warming

¹ - Greenhouse gases

² - Climate change

منطقه ایران شهر استان سیستان و بلوچستان به این نتیجه رسیدند که رطوبت نسبی، بیشینه بارش روزانه اثر معنی داری بر پراکنش گونه‌ها دارد. عوامل اقلیمی شامل بارش و دما از مهم‌ترین فاکتورهای موثر بر پوشش گیاهی و در نهایت تولید موجود در مراتع می‌باشد، به صورتی که، هرگونه تغییر در کیفیت مراتع، سبب تغییر ساختار پوشش گیاهی می‌شود. بنابراین، توجه به تغییرات بارندگی و دما در مدیریت مراتع مهم می‌باشد. به همین منظور در این مطالعه سعی بر بررسی تغییرات بارندگی و دما تحت سناریوهای مختلف اقلیمی در مراتع استان چهارمحال و بختیاری می‌باشد.

مواد و روش‌ها

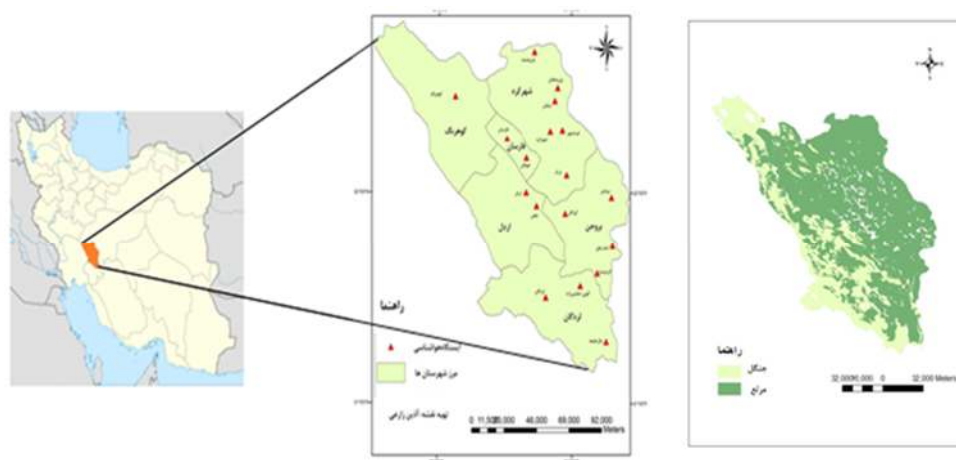
معرفی منطقه

استان چهارمحال و بختیاری با مساحت ۱۶۵۳۲ کیلومتر مربع بین ۳۱ درجه و ۹ دقیقه تا ۳۲ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی و نیز ۴۹ درجه و ۲۸ دقیقه تا ۵۱ درجه و ۲۵ دقیقه طول شرقی قرار دارد (شکل ۱). این استان با ارتفاع متوسط ۲۱۵۳ متر از سطح دریا، از نظر توپوگرافی، سرزمینی تپه‌ماهوری بادش‌های میان‌کوهی است، که توسط ارتفاعات از هم جدا می‌شوند. در دی ماه بطور متوسط ۱۹ درصد بارش انجام می‌شود. درصد بارش ماهانه در فاصله آبان تا فروردین بیشتر از ۹۰ درصد بارش سالانه در فاصله خرداد تا مهر کمتر از ۱۰ درصد بارش سالانه را تشکیل می‌دهد. حدود ۸۵ درصد (۱۴۰۰۰ کیلومتر مربع) گستره استان را عرصه‌های طبیعی و ملی (جنگل و مرتع) به خود اختصاص داده‌اند. به‌طور کلی، تراکم پوشش گیاهی در

استان، از غرب به شرق کاهش می‌یابد. وسعت مراتع استان چهارمحال و بختیاری ۱۰۹۳۰۰ هکتار بوده و عمدتاً از نوع مراتع کوهستانی هستند و با وجود بارندگی کافی در طول سال، جزء مراتع نسبتاً خوب کشور محسوب می‌شوند. چراگاه‌ها و مراتع استان در ارتفاعات و دامنه‌های شرقی و غربی سلسله جبال زاگرس اصلی‌ترین مراتع و چراگاه‌های بهاره و تابستانه عشایر بختیاری را تشکیل می‌دهد (۱۴).

مدل‌های گردش عمومی جو

مدل‌های گردش عمومی جو، مدل‌های ریاضی (شبه‌سازهای رایانه‌ای خصوصیات و فرآیندهای جوی- اقیانوسی) هستند که هدف آنها توصیف سیستم اقلیمی کره زمین می‌باشد (۶). در مدل‌های مذکور، وضعیت جو زمین در پاره‌ای از نقاط شبکه از یک شبکه منظم واقع در روی زمین و سطوح معین جو تعیین شده و سپس به کمک روش‌های عددی، معادلات اولیه در هر یک از نقاط شبکه حل می‌گردد. با وجود تعدد روش‌های موجود، کلیه مدل‌های گردش عمومی از یک روش زمانی پله‌ای و یک برنامه برون‌یابی بین نقاط شبکه استفاده می‌کنند (۴). یکی از محدودیت‌های اصلی استفاده از داده‌های اقلیمی مدل‌های گردش عمومی جو، این است که دقت تجزیه مکانی و زمانی آن‌ها با دقت مورد نیاز مدل‌های هیدرولوژیک مطابقت ندارد. دقت مکانی این مدل‌ها برای بررسی مناطق کوهستانی نامناسب است، در نتیجه داده‌ها باید به طریقی کوچک مقیاس شوند (۱۵).



شکل ۱- موقعیت استان چهارمحال و بختیاری، ایستگاه های هواشناسی و مراتع موجود در استان

اعمال نمود. به همین منظور، با مطالعه انجام شده بر روی داده های بارش و دما روزانه ایستگاه سینوپتیک کوهرنگ جهت کوچک مقیاس سازی و پیش بینی دما و بارش در دوره های آتی مورد استفاده قرار گرفتند.

نتایج

جهت بررسی اثر سناریوهای مختلف تغییر اقلیم در استان چهارمحال و بختیاری از مدل گردش عمومی جو CanESM2 تحت سه سناریوی rcp26, rcp45, rcp85 استفاده شد. پس از استخراج داده های بزرگ مقیاس مدل مذکور برای سلول محاسباتی منطقه مورد مطالعه، با استفاده از داده های بزرگ مقیاس CanESM2، داده های اقلیمی مشاهداتی و داده های بزرگ مقیاس NCEP، اقدام به کوچک مقیاس سازی به روش SDSM داده های اقلیمی و سناریوسازی برای دوره آتی (دهه ۲۱۰۰ میلادی) گردید که نتایج حاصل در ادامه آورده شده است.

۱- معرفی بهترین متغیرهای پیش بینی کننده دما و بارندگی استان چهارمحال و بختیاری

محاسبات کوچک مقیاس کردن آماری، مبتنی بر روش رگرسیون خطی و با استفاده از مدل SDSM در این بخش آورده شده است. با انجام آزمون و خطا و وارد نمودن متغیرهای پیش بینی کننده به مدل، در نهایت بهترین متغیرها برای کوچک مقیاس نمودن پارامتر دما و بارندگی

SDSM روش کوچک مقیاس سازی است که بر روابط آماری تکنیک های رگرسیون چندگانه خطی میان متغیرهای بزرگ مقیاس و متغیرهای مشاهده ای محلی پایه گذاری شده است. این روش ابتدا متغیر پیش بینی کننده را با استفاده از روش های رگرسیونی ترکیبی و یک روش مولد هواشناسی تصادفی کوچک مقیاس کرده و در مرحله دوم بارش را مجدداً در محل ایستگاه تولید می کند. نرم افزار SDSM تحت مراحل زیر اقدام به کوچک مقیاس کردن متغیرهای اقلیمی روزانه می نماید (۱۶).

۱- کنترل کیفی و تبدیل داده ها

۲- انتخاب متغیرهای پیش بینی کننده

۳- واسنجی کردن مدل^۱

۴- تولید مدل اقلیمی

۵- تجزیه و تحلیل آماری

۶- خروجی گرافیکی مدل

۷- تولید سناریوی اقلیمی

در تحقیق حاضر به منظور مطالعه سناریوهای تغییر اقلیم، لازم است کوچک مقیاس کردن را در مقیاس ایستگاه های هواشناسی، با استفاده از متغیرهای اقلیمی مناسب (بارش و دما) انجام داده، سپس مقادیر متغیرهای حاصل از خروجی مطالعه تجزیه تحلیل شده و با استفاده از دما و بارش پیش بینی شود تا بتوان با توجه به تغییرات بارندگی و دما اقدامات مدیریتی مناسب در مراتع را در آینده

^۱ - Model calibration

مقایسه گردید که این مقایسه‌ها در شکل‌های ۴ تا ۶ نشان داده شده است. از طرفی، به منظور بررسی و تحلیل تغییرات اقلیمی ناشی از افزایش گازهای گلخانه‌ای تحت سناریوهای مختلف، متغیرهای اقلیمی حاصل از مدل CanESM2 در دهه ۲۱۰۰ میلادی شبیه‌سازی گردید و جهت برآورد روند تغییرات دما تحت سناریوهای مختلف انتشار نمودارهای دوره زمانی پایه با دوره زمانی آینده (تا سال ۲۱۰۰ میلادی) مقایسه گردید. در شکل ۴ میانگین ماهانه دمای روزانه در ایستگاه کوه‌رنگ در دوره صحت‌سنجی نشان داده شده است. بیش‌ترین اختلاف میان نتایج کالیبره شده توسط مدل و مقادیر مشاهداتی در دوره مطالعاتی، در ماه‌های ژوئن و جولای می‌باشد. از طرفی، همبستگی داده‌های مشاهداتی و کالیبره شده دما در ایستگاه کوه‌رنگ در دوره ۲۰۰۰-۱۹۶۱، ۰/۹۸۴ می‌باشد.

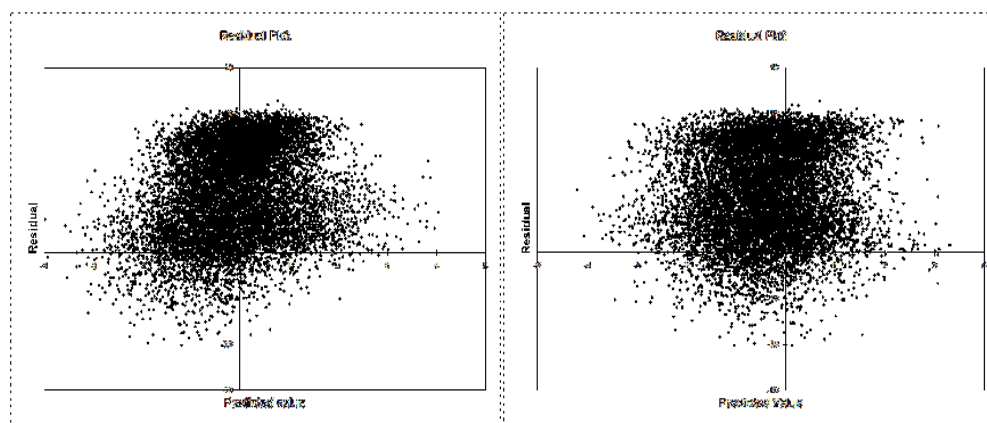
جدول ۱- متغیرهای غالب در مدل کردن پارامتر بارندگی و دما

در استان چهارمحال و بختیاری	
پارامتر	متغیرهای پیش‌بینی کننده
دما	متوسط دما در ارتفاع دو متری، حالت گردابی در ۵۰۰ هکتوپاسکال، رطوبت ویژه سطحی
بارش	Precppl، سرعت مداری در ۵۰۰ هکتوپاسکال، فشار متوسط سطح دریا

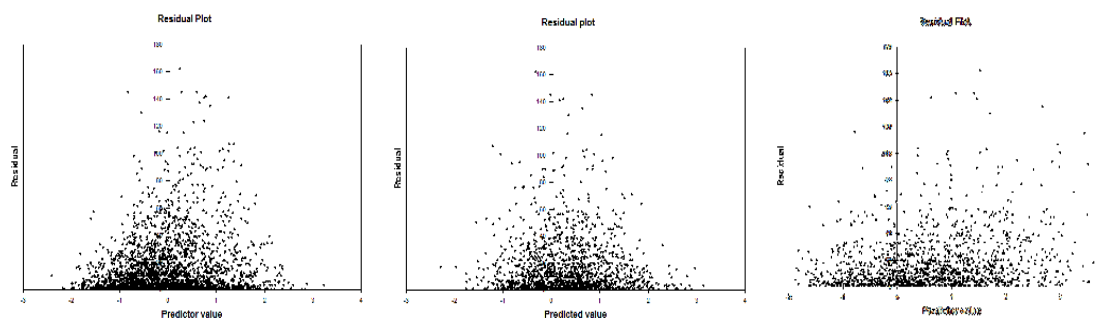
منطقه مورد مطالعه به مدل SDSM معرفی شدند. جدول (۱) پیش‌بینی کننده‌های منتخب برای کوچک مقیاس‌سازی آماری دما را نشان می‌دهد. پس از تعیین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده مناسب برای کوچک‌مقیاس‌سازی دما و بارش در منطقه مورد مطالعه، با واسنجی داده‌ها، نقشه پراکنش متغیرهای پیش‌بینی‌کننده در آنالیز باقی‌مانده به‌دست‌آمد که نتایج آن در شکل‌های ۳ و ۲ نشان داده شده است. همانطور که ملاحظه می‌شود، پراکنش متغیرها برای فاکتور دما و بارش در ایستگاه مورد بررسی نرمال است.

- صحت‌سنجی مدل SDSM برای پارامتر دما و بارندگی

جهت تولید سناریوهای تغییر اقلیم دما ابتدا باید مدل SDSM مورد واسنجی و صحت‌سنجی قرار گیرد. به منظور واسنجی مدل SDSM ابتدا از میان متغیرهای بزرگ مقیاس موجود، متغیرهایی که بیشترین ارتباط را با دمای منطقه دارند انتخاب شدند (جدول ۱). پس از واسنجی برای دوره پایه (۲۰۰۰-۱۹۶۱ در ایستگاه کوه‌رنگ) اقدام به تولید داده‌های اقلیمی دما برای دو دوره ۲۰۰۰-۱۹۶۱ و ۲۱۰۰-۲۰۰۶ میلادی گردید. جهت صحت‌سنجی مدل، دمای مشاهداتی و شبیه‌سازی شده توسط مدل گردش عمومی جو CanESM2 تحت سه سناریوی rcp26، rcp45، rcp85



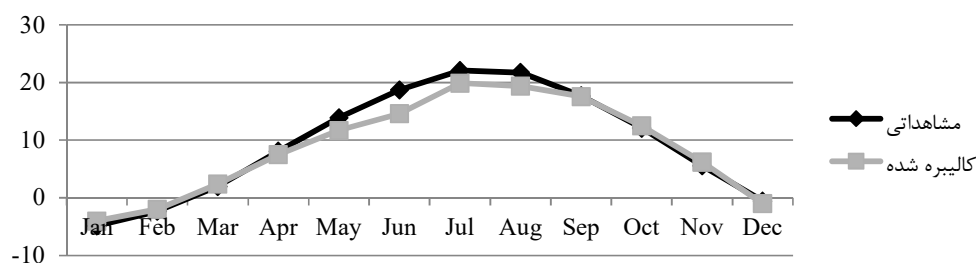
شکل ۲- وابستگی متغیر اقلیمی دما به پیش‌بینی‌کننده‌های منتخب



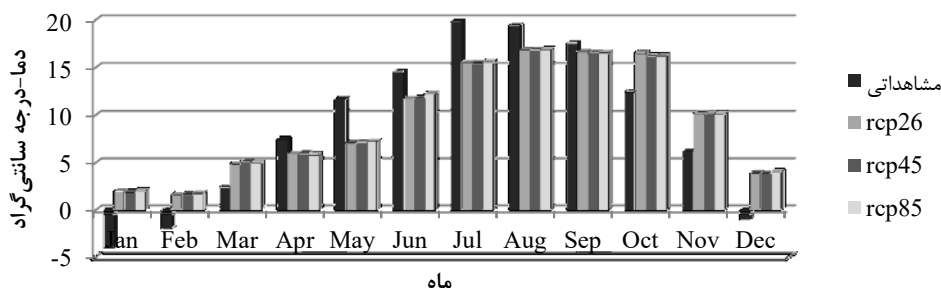
شکل ۳ - وابستگی متغیر اقلیمی بارندگی به پیش‌بینی‌کننده‌های منتخب

با توجه به شکل مذکور، تغییرات میانگین دمای روزانه در ماه‌های اکتبر تا مارچ از روند افزایشی تحت هر سه سناریوی انتشار تبعیت می‌کند. در صورتی‌که در ماه‌های آپریل تا سپتامبر روندی کاهشی در هر سه سناریو مشاهده شد.

بالاترین میانگین دمای روزانه ایستگاه مربوط به ماه جولای با ۲۲ درجه سانتی‌گراد براساس داده‌های مشاهداتی است. در شکل ۵ نمودار میانگین دمای روزانه در ایستگاه کوهرنگ در دوره‌های سناریوسازی آینده مشاهده می‌شود.



شکل ۴ - میانگین دما برای داده‌های مشاهداتی و کالیبره شده توسط مدل در دوره صحت‌سنجی

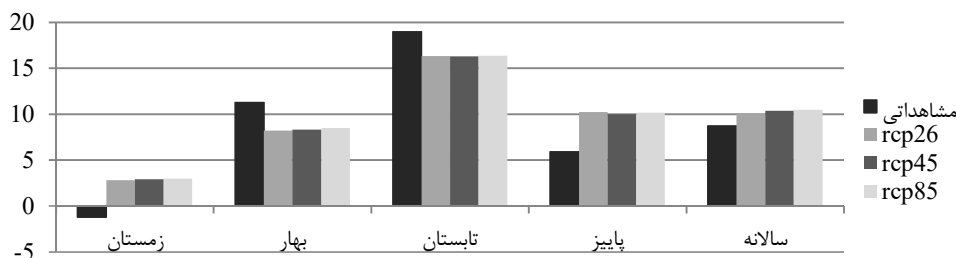


شکل ۵ - میانگین دما برای داده‌های مشاهداتی و سناریوسازی

برای داده‌های مشاهداتی و داده‌های به‌دست آمده از مدل تحت سناریوهای مختلف، در دوره پایه در شکل ۶ آورده شده است. بیشترین افزایش دما در فصل‌های زمستان و پاییز حدوداً ۴/۲ درجه سانتی‌گراد تحت سناریوی rcp85 است. از طرفی، در فصل بهار و تابستان در هر سه سناریوی

بیش‌ترین افزایش دما در هر سه سناریوی انتشار در ماه می، جولای به‌ترتیب به میزان ۴/۶، ۴/۴ درجه سانتی‌گراد براساس سناریوی rcp26 و ۴/۹، ۴/۶ درجه سانتی‌گراد تحت سناریوی rcp85 است. از طرفی بیشترین کاهش دما در ماه‌های اکتبر و دسامبر به میزان ۴/۰۷، ۴/۹۳ درجه سانتی‌گراد تحت سناریوی rcp26 مشاهده شد. میانگین دما

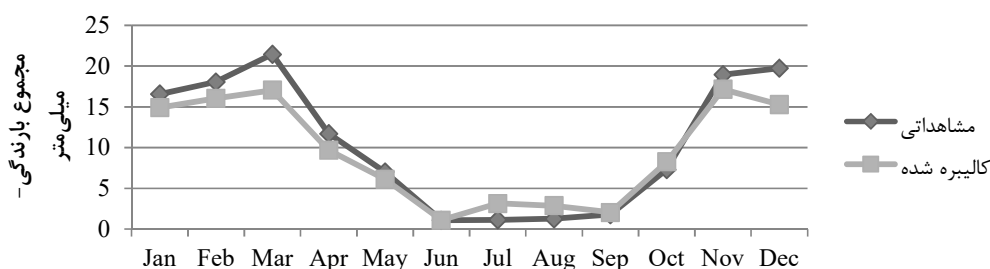
انتشار به ترتیب ۳، ۲/۶ درجه سانتی گراد کاهش دما به چشم می خورد.



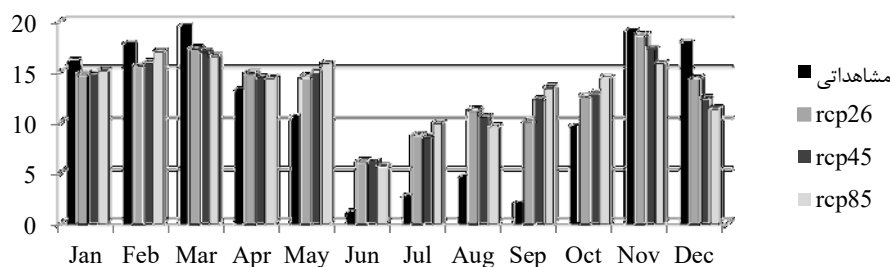
شکل ۶- میانگین دما برای داده‌های مشاهده‌ای و سناریوسازی

rcp26 کمترین شدت و در سناریوی rcp85 بیشترین شدت را دارد، درحالی که سناریوی rcp45 از نظر میزان شدت افزایش یا کاهش دما، بین دو سناریوی دیگر قرار می گیرد. در شکل ۷ مجموع ماهانه بارش روزانه در ایستگاه کوهرنگ در دوره صحت‌سنجی نشان داده شده است.

به طور کلی متوسط دمای روزانه در ایستگاه کوهرنگ به صورت سالانه و تحت هر سه سناریو افزایش دما وجود دارد، به طوری که، در سناریوی rcp26، rcp85 به ترتیب ۱/۸ و ۱/۶ درجه سانتی گراد افزایش خواهد یافت. همان گونه که در شکل ۶ مشاهده می شود. هم چنین مشاهده می شود، افزایش یا کاهش میانگین دما در تمامی فصول در سناریوی



شکل ۷- مجموع بارندگی برای داده‌های مشاهده‌ای و کالیبره شده توسط مدل در دوره صحت‌سنجی



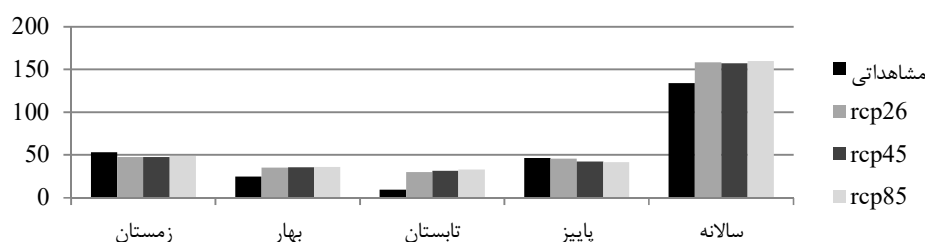
شکل ۸- مجموع بارندگی برای داده‌های مشاهده‌ای و سناریوسازی

کالیبره شده بارندگی در ایستگاه کوهرنگ در دوره ۲۰۰۰-۱۹۶۱، ۰/۹۷ می باشد. در شکل ۸ نمودار مجموع بارندگی روزانه در ایستگاه کوهرنگ در دوره‌های سناریوسازی آینده

بیشترین اختلاف میان نتایج کالیبره شده توسط مدل و مقادیر مشاهده‌ای در دوره مطالعاتی، در ماه‌های مارچ و دسامبر می باشد. از طرفی، همبستگی داده‌های مشاهده‌ای و

تحت سناریوهای مختلف، در دوره پایه در شکل ۹ آورده شده است. بیشترین افزایش بارندگی روزانه در فصل‌های بهار و تابستان تحت سناریوی rcp85 است. از طرفی، در فصل زمستان در هر سه سناریوی انتشار کاهش بارندگی به چشم می‌خورد، در صورتی که تغییرات بارندگی در فصل پاییز محسوس نمی‌باشد. به‌طور کلی مجموع بارندگی در ایستگاه کوه‌رنگ به صورت سالانه و تحت هر سه سناریو افزایش می‌یابد.

مشاهده می‌شود. با توجه به شکل مذکور، تغییرات مجموع دمای روزانه در ماه‌های سپتامبر تا نوامبر از روند افزایشی تحت هر سه سناریوی انتشار تبعیت می‌کند. در صورتی که در ماه‌های مارچ تا ژوئن روندی کاهشی در هر سه سناریو مشاهده شد. همچنین، بیشترین میزان بارندگی در ماه‌های نوامبر تا مارچ مشاهده می‌شود. تغییرات کاهش یا افزایش بارندگی تحت سناریوی rcp85 بیشترین مقدار و در سناریوی rcp26 کمترین میزان را دارد. مجموع بارندگی برای داده‌های مشاهداتی و داده‌های به‌دست آمده از مدل



شکل ۹- میانگین دما برای داده‌های مشاهداتی و سناریوسازی

صحت مدل با شاخص MAE تعیین می‌شود که مقدار صفر آن نشان دهنده صحت ۱۰۰ درصد است و هر قدر مقدار آن از صفر فاصله داشته باشد حاکی از کم شدن صحت مدل است. معیار ارزیابی MBE بیانگر میانگین انحراف می‌باشد. این معیار علاوه بر دارا بودن علامت مثبت (بیش برآوردی مدل) و یا منفی (کم برآوردی مدل) مقدار انحراف از مقادیر مشاهده شده را نیز نشان می‌دهد. MBE برابر صفر نشان می‌دهد که برآورد مدل خوب بوده و در آن هیچ‌گونه انحرافی وجود ندارد. معمولاً هر قدر مقدار این دو معیار و ریشه دوم میانگین مربعات خطا (RMSE) کمتر باشد صحت روش بیشتر است. از نظر تئوری هرگاه این دو معیار برابر صفر شوند نمایانگر این است که مقدار تخمین زده شده یک کمیت دقیقاً برابر مقدار واقعی آن است (۷).

عدم قطعیت به‌دست آمده از تخمین‌های مرتبط با منابع آبی از اهمیت خاصی برخوردار است. عدم قطعیت‌های مورد بررسی در مطالعه‌ی حاضر دربرگیرنده‌ی تمام منابع عدم قطعیت در بحث مدل‌سازی است (جدول ۲). در مطالعه حاضر مقادیر مشاهده شده با استفاده از پنج معیار، ضریب همبستگی، خطای میانگین بایاس (MBE)، خطای قدرمطلق میانگین^۳ (MAE)، خطای مجذور میانگین استاندارد شده^۴ (RMSE)، خطای انحراف استاندارد عمومی^۵ (GSD) با مقادیر برآورد شده مقایسه شدند.

جدول ۲- مقادیر پارامترهای عدم قطعیت برای متغیرهای بارش و دما

پارامتر	R	MBE	MAE	RMSE	GSD
دما	۰/۹۸	-۰/۷۸	۱/۲	۲/۷	۰/۲۸
بارندگی	۰/۷	-۱/۰۴	۱/۷۹۶	۲/۲۳	۰/۲۱

^۴ - Root Mean Square Error

^۵ - General Standard Deviation

^۲ - Mean Bias Error

^۳ - Mean Square Error

بحث و نتیجه‌گیری

عوامل مختلفی در پراکنش، فرم رویشی، ترکیب گونه‌های گیاهی موجود در مراتع تاثیرگذار می‌باشند (۸، ۱۰) و در میان تمام عوامل موجود در طبیعت اقلیم تعیین‌کننده‌ترین عامل پراکنش جانداران، به ویژه گیاهان می‌باشد (۱۳). به‌طورکلی تغییرات بارش و دما به واسطه تغییرات اقلیمی از یک طرف سبب کاهش میزان ذخایر برف و افزایش رواناب، از طرف دیگر سبب تغییر میزان و کیفیت تولید علوفه مراتع می‌شود. به این ترتیب، علوفه تولیدشده در مراتع و فیزیولوژی دام تحت تاثیر تغییرات اقلیمی قرار خواهد گرفت. با افزایش آسیب‌پذیری پوشش گیاهی و دام موجود در مراتع، فشار موجود بر مراتع به منظور کسب درآمد مورد نیاز معیشت افزایش یافته که در نهایت سبب تخریب مراتع و منابع طبیعی در آینده خواهد شد. از دیگر اثرات تغییر اقلیم، افزایش بیماری‌های گیاهی، افزایش احتمال آتش‌سوزی در مراتع در اثر افزایش خشکسالی، تغییرات اقتصادی و اجتماعی ناشی از مهاجرت می‌باشد. از این رو با توجه به اهمیت موضوع، بررسی تغییرات دما و بارش در استان چهارمحال و بختیاری تحت سناریوهای مختلف اقلیمی به منظور شناخت رفتار سری‌های زمانی و کشف وجود تغییرات احتمالی در آینده ضروری می‌باشد. چرا که بدون شناخت و آگاهی از وضعیت اقلیمی آینده، مدیران و برنامه‌ریزان قادر به اجرای برنامه‌های مختلف نخواهند بود. در تحقیق حاضر با در نظر گرفتن موقعیت ایستگاه سینوپتیک مورد مطالعه با مشخصات 45°N - 19°E

(ایستگاه کوهرنگ) داده‌های مدل گردش عمومی جو CanESM2 و NCEP جهت کوچک مقیاس‌سازی استخراج گردید. نتایج حاصل از بررسی‌ها نشان‌دهنده افزایش بارندگی و دمای سالانه می‌باشد. به صورتی که شاهد کاهش دما و افزایش بارندگی در فصل بهار و تابستان می‌باشیم. کاهش دما سبب به تاخیر افتادن گلدهی و رشد گیاهان مرتعی می‌شود، این در حالی است که دامداران، دام‌های خود را از مراتع قشلاقی (زمستانی) به مراتع بهاری در این مناطق برده‌اند ولی هنوز گیاهان مرتعی به علت سرما به رشد لازم نرسیده‌اند و به علاوه مرتع کاملاً خیس است. در نتیجه هم دام‌ها علوفه کافی ندارند و هم با لگدمال کردن عرصه‌های تحت تأثیر چرای خود باعث تخریب خاک و نابودی علف‌های مرتعی می‌شوند. از طرفی در فصل زمستان دما افزایش خواهد یافت و شاهد کاهش بارندگی در این فصل خواهیم بود. با افزایش دمای فصل زمستان ریزش‌های جوی از حالت برف به باران تغییر شکل می‌دهد که این امر باعث عدم‌ذخیره برف برای ماه‌های گرم‌تر سال و جاری شدن سیلاب خواهد شد. همچنین، افزایش دما در فصل زمستان سبب حساسیت مراتع به فرسایش خواهند شد. همچنین مشاهده می‌شود، افزایش یا کاهش میانگین دما در تمامی فصول در سناریوی rcp26 کمترین شدت و در سناریوی rcp85 بیشترین شدت را دارد، درحالی که سناریوی rcp45 از نظر میزان شدت افزایش یا کاهش دما، بین دو سناریوی دیگر قرار می‌گیرد.

References

1. Abdoli, M., 2001. The general attitude on global warming and its impact on the national scale, the National Energy Conference. Tehran, Islamic Republic of Iran National Energy Committee, Department of Power and Energy Ministry of Energy, 638-646. (In Persian)
2. EPA., 1998. The Climate System. The EPA Global Warming Site.
3. Farajzadeh, M., K. Madani., A. Massah & R. Davtalab, 2014. Climate change effects on reliability of water delivery in downstream of Karkheh river basin and its adaptation Strategies. Journal of protection of water and soil, 3(3): 49-63. (In Persian)
4. Ghayor, H. & A. Masodian., 1996. About climate and meteorological modeling. Journal of Nivar, 50-39. (In Persian)
5. IPCC., 2007. Climate Change 2007: The Physical Science Basis. Contribution of Working Group I to the Fourth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change. Cambridge University Press, Cambridge, United Kingdom and New York, NY, USA.
6. Khorshiddost, M. & E. Ghavidel Rahimi., 2006. A doubling of atmospheric carbon dioxide simulating the effects of climate change Tabriz using an experimental model of geophysical fluid dynamics GFDL. Journal of Ecology, 39:1-10. (In Persian)

7. Mahdiyan, M.H., 2006. The use of Geostatistics in soil science. Proceedings of the Conference on Soils, Sustainable Development and Environment. University of Tehran. (In Persian)
8. Mohtasham Nia, S., Gh. Zahedi Amiri & H. Arzani, 2007. Vegetation ordination of steppic rangelands in relation to the edaphical & physiographical factors (Case study: Abadeh rangelands, Fars). Journal of Rangeland, 1(2): 142-158. (In Persian)
9. Nori, S., d. Sepehri & A. Barani, 2014. Analyses of the flora and geographical distribution of plants in relation to the climate in this region of Iranshahr in Sistan and Balochistan. Journal of Rangeland, 8(2): 148-163. (In Persian)
10. Pakzad, Z., M. Raeini Sarjaz & M. Khodagholi, 2013. Evaluation of the effects of climate factors on distribution of the habitates of Astragalus adscendens in Isfahan province. Iranian Journal of Range and Desert Research, 20(1):199-212. (In Persian)
11. Sayari, N., a. Alizade., M. Banayan., A. Farid Hosseini & M. Hesami Kermani, 2011. Comparison of HadCM3 & CGCM2 on prediction of meteorological parameters under climate change (case study: Kashfroud basin). Journal of water and soil, 25(4): 212-227. (In Persian)
12. Shahabul Alam, M. & A. Elshorbagy., 2015. Quantification of the climate change-induced variations in Intensity-Duration-Frequency curves in the Canadian Prairies. Journal of Hydrology, 527: 990-1005. (In Persian)
13. Sheikhzade, A., H. Matinkhah., M. Bashari., M. Tarkesh & M. Soleymani, 2015. Study of environmental and management parameters on pattern of vegetation cover in Chadghan area in Esfahan Province. Journal of Rangeland, (In Persian)
14. Statistical Yearbook of Chaharmahal-va-bakhtiari Province.
15. Wilby R.L. & M.D. Dettinger., 2000. Stream flow Changes in the Sierra Nevada, California, Simulated Using Statistically Downscaled General Circulation Model Output. In: Linking Climate Change to Land Surface Change, S. McLaren and D. Kniven (Editors). Kluwer Academic Pub. 99-121.
16. Wilby, R.L. & C.W. Dawson., 2007. A decision support tool for the assessment of regional climate change impacts. SDSM manual version 4.2, Environment agency of England and Wales, 2007, 94pp.
17. Zarei, A., A. Ghoharnejhad., P. Tahmasebi & M.A Zare Chahouki, 2014. Comparison Fuzzy ordination, DCA on vegetation cover analysis in different management treatment. Journal of Rangeland, 8(1):37-50. (In Persian)